

آموزش زبان و محیط های آموزشی

دکتر مایکل بایرام

عنوان این مجله ی جدید فرصت را فراهم می کند که به بررسی محیط های آموزش زبان خارجی پرداخته شود که خود شامل موضوعات آموزشی است زیرا قسمت اعظم آموزش زبان در محیط های آموزشی و موسسات که اغلب به صورت اجباری است اتفاق می افتد. بنابراین زبان آموزان در کنار زبان خارجی با زبانه ای دیگر از جمله زبان کاربردی در خانه، زبان رسمی کشور، زبان اقلیت ها و دیگر زبان ها مواجه می شوند که این موضوع باید در یادگیری و آموزش زبان مورد توجه قرار گیرد. به اضافه، زبان ابزاری برای یادگیری در طول زندگی و به ویژه در محیط های آموزشی است، جایی که زبان رشته های مختلف نیز باید آموخته شوند که خود دلیلی برای معلمان رشته های مختلف در آگاهی از زبان به عنوان یک ابزار برای ارتباط است. همچنین موضوع دیگر رابطه ی میان آموزش زبان و آموزش شهروندی و ایجاد شهروندی بین فرهنگی است. عنوان مجله حاضر به "تحقیق" نیز اشاره می کند که خود فرصتی برای اندیشه در مورد اسلوب و نمونه های تحقیق مرتبط با آموزش و یادگیری زبان است. تفاوت های تحقیقات کمی و کیفی گمراه کننده هستند که نیاز به بررسی دوباره دارند. تفاوت بارز بیشتر میان تحقیق نظری است که تاکید بر تئوری و ایدئولوژی دارد و تحقیق تجربی که جامه عمل به تئوری می پوشاند.

خواندن متون و اکتساب واژگان: دلایل مطابق و مغایر

دکتر استیفن کرشن

من در اینجا به بحث درازمدتی پیرامون موضوعی آشنا که آیا زبان آموزی ناخودآگاه موثرتر از زبان آموزی آگاهانه است (با اشاره به مطالعات اخیر و قبلی در مورد یادگیری واژگان) می پردازم (برای مثال کرشن، ۲۰۰۴).

اهداف آموزش زبان چیستند؟

دکتر ویویان کوک

در طی قرون مردمی که به بیش از یک زبان صحبت می کردند یا به عبارتی کاربران زبان دوم تحسین می شدند. در قرن شانزدهم مشاوری به ملکه الیزابت انگلستان گفت: "همانطور که شاهین با یک بال نمی تواند اوج بگیرد، انسان نیز با یک زبان نمی تواند به برتری رسد" (راجر آشام، ۱۵۷۰). در قرن 21 نیز، وزیر آموزش و پرورش خطاب به الیزابت دوم ابراز داشت: "یادگیری زبان به معنای واقعی سبب زکات می شود. شبکه های عصبی مغز در نتیجه ی یادگیری زبان تقویت می شوند" (مایکل گو، ۲۰۱۱). اما برخلاف این بیانیه های عمومی، دوزبانگی بیشتر به عنوان مشکلی دیده می شود که باید حل شود تا به عنوان ابزاری که باید توسعه داده شود. کاربران زبان دوم همانند هر فرد دیگری مشکلاتی از قبیل مسائل اجتماعی، روانی و اقتصادی دارند. ولی درصد خیلی کمی از این مشکلات ناشی از دوزبانگی آنهاست.

فرهنگ در آموزش زبان خارجی

دکتر کلیر کرمش

آموزش فرهنگ همچنان موضوعی بحث برانگیز در آموزش زبان خارجی باقیمانده است. فرهنگ چیست؟ چه نسبتی با زبان دارد؟ فرهنگ کدام ملیت را باید به زبان آموز آموزش داد؟ فرهنگ زبان آموز باید چه نقشی را در فراگیری زبان مقصد ایفا کند؟ چگونه می توان مانع از ارجحیت فرهنگ ها و القای تعصبات شد؟ چگونه می توانیم در زبان آموزان توانش بین فرهنگی را گسترش دهیم به طوری که نه فرهنگ خود و نه فرهنگ مقصد را تغییر ندهد بلکه آنها را تبدیل به واسطه ای فرهنگی در دهکده جهانی نماید؟ این مقاله به بررسی این مسایل از زاویه دید تحقیقات گسترده انجام شده در استرالیا، اروپا و امریکا در بیست سال اخیر می پردازد. این مقاله مطالعه فرهنگ را به مطالعه گفتمان مرتبط می کند (برای مثال به کرمش ۱۹۹۳، ۱۹۹۸، ۲۰۰۴ مراجعه کنید) و نیز آن

را به مفاهیمی چون مهارت چند زبانی و چند فرهنگی پیشنهاد شده توسط انجمن زبان نوین ارتباط می دهد (برای مثال کرشم، ۲۰۱۰). به نقش منحصر به فرد فرهنگ کهن پارسی در غنا بخشیدن به واسطه های فرهنگی فردا، توجه ویژه ای شده است.

تحلیل انتقادی وقایع از طریق شرح فکری آن: بررسی موردی

دکتر توماس فرل

معلمان می توانند توسط توضیح و کاوش وقایعی که فکر می کنند برای خود و دیگران مهم است به تأمل درباره آموزش خود بپردازند. آنها با صحبت در مورد این مسائل می توانند به نحو بهتری تجربیات به ظاهر اتفاقی خود را که در آموزش رخ میدهد درک کنند زیرا آنها صاحب دانش واقعی، به خصوص دانش بصری شخصی، تخصص و تجربه هستند که نتیجه سال های سال تجربه اندوخته به عنوان آموزگاران زبان در مدارس و کلاس های درسی است. این مقاله به بررسی رویدادی می پردازد که یک معلم آموزش زبان در کانادا به دوست خود شرح داد و اینکه چگونه هر دوی این معلمان از نظریه مک کیب (۲۰۰۲) استفاده کردند تا این رویداد را که در کلاس اتفاق افتاده بود بررسی کنند.

مفهوم سازی فرهنگی در یادگیری انگلیسی به عنوان زبان دوم:

نمونه هایی از فراگیران فارسی زبان

دکتر فرزاد شریفیان

در گذشته بسیاری از مطالعات فراگیری زبان دوم بر این فرض استوار بودند که یادگیری یک زبان جدید عمدتاً شامل یادگیری مجموعه ای از قواعد دستوری، اقلام واژگانی و برخی از صداهای جدید و ترکیب صدا می باشد. در صورتی که برای بیشتر فراگیران، یادگیری زبان دوم ممکن است شامل ارتباط و تعامل با قواعد جدید مفهوم

سازی تجربی شود. بسیاری از زبان آموزان نظام مفهومی را که در یادگیری زبان اول توسعه داده اند وارد فرایند یادگیری زبان دوم می کنند با این عقیده که هر واحد مفهومی در ذهن آنها معادلی در نظام مفهومی زبان دوم دارد. در این مقاله من به توضیح برخی از مفهومی سازی های فرهنگی می پردازم که سخنگویان فارسی زبان ممکن است در فرایند یادگیری زبان انگلیسی آن را بکار گیرند و برخی از پیامدهای احتمالی این فرایند را برای فهم موضوعات بین فرهنگی مطرح می کنم. این مقاله با پیش زمینه ای پیرامون مفهومی سازی فرهنگی آغاز می شود و پس از آن به بحث در مورد مفهومی سازی فرهنگی زبان فارسی در یادگیری زبان دوم پرداخته می شود.

انتقال زبان اول در نوشتار زبان دوم: بررسی مطالعات اخیر

خالد کریم و دکتر حسین نساجی

انتقال زبان اول به مدت یک قرن است که مسئله ای کلیدی در زمینه زبانشناسی کاربردی، یادگیری زبان دوم و آموزش زبان بوده است. با این حال اهمیت آن چندین بار در چند دهه گذشته دوباره مورد ارزیابی قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر بررسی پژوهش های اخیر است که به تحقیق در مورد نقش انتقال زبان اول در مهارت نوشتار زبان دوم پرداخته اند. مقاله با بحث در مورد دیدگاه های مختلف انتقال زبان اول آغاز می شود و اینکه چطور این دیدگاه ها در طول زمان تغییر کرده اند و سپس به مرور تعدادی مطالعات اصلی می پردازد که نقش انتقال زبان اول را هم به عنوان ابزاری برای یادگیری و هم به عنوان راهبردی ارتباطی در نوشتار زبان دوم بررسی کرده اند. این مقاله در پایان پیشنهاداتی را برای آموزش نوشتار زبان دوم و تحقیقات آینده ارائه می کند.